



## بسته شدن راه سالنگ؛

### باشنده گان شمال: با مشکلات جدی مواجه هستیم



وزارت فواید عامه طالبان با بستن شاهراه سالنگ به روی رفت و آمد، باشنده گان شمال کشور را با چالش‌های جدی ترانسپورتی مواجه ساخته است. این نهاد زیر کنترل طالبان بدون در نظر گرفتن راه‌های بدیل و اندک‌ترین ترمیم مسیر بغلان-بامیان، بیش از یک هفته مسافران را در بی‌سرنوشتی کامل قرار داده است. مسافران با شکایت از طولانی شدن راه، می‌گویند که مجبورند کرایه بیش‌تری بپردازند. همچنان راننده‌گان شکایت دارند که با تغییر جاده، عوارض موثرها...

۳

## وضعیت بازنشسته‌گان و موضع طالبان؛

# حقوق بازنشسته‌گی «معاش» نیست؟



۳

## ناکارایی سیاست تضرع



۶

## شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان؛

### طالبان در دو سال گذشته ۱۷ تن از هزاره‌ها در ارزگان را به قتل رساندند



۸صبح، کابل: شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان در واکنش به سر بردن دو تن از باشنده‌گاه هزاره ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزگان، ادعا می‌کند که جنگ‌جویان محلی طالبان در این ولسوالی طی دو سال گذشته ۱۷ تن از مردم هزاره را در این منطقه به قتل رسانده‌اند. شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان، شنبه‌شب، ۱ میزان، در بیانیه‌ای این اقدام طالبان را «کشتار سیستماتیک» مردم شیعه و هزاره از سوی طالبان عنوان کرده است. در بیانیه این شورا آمده است: «در آخرین رویداد دو تن به نام‌های حاجی حسن و علی خان که پدر و پسر بودند در منطقه تنگی مامی جوی نو ولسوالی خاص ارزگان به‌طور فجیعی به شهادت رسیده و سر بریده شدند؛ پیشتر از آن در تاریخ ۲۱ سنبله نیز شخصی به نام سید امیر علوی در منطقه جوی نو به‌طرز مشکوک به شهادت رسیده است.»

براساس این بیانیه، افراد مسلح محلی با حمایت طالبان دست به آتش زدن مزارع، خانه‌ها و نیز قطع درختان و غارت دارایی‌های مردم در این منطقه زده‌اند. شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان همچنان خاطر نشان کرده است که افراد طالبان در پنجشنبه و ولسوالی‌های اندراب بغلان نیز مشغول سرکوب باشنده‌گان این مناطق هستند. این شورا خواستار تحقیقات در زمینه جنایات صورت گرفته و اقدام فوری برای جلوگیری از رویدادهای مشابه در افغانستان از سوی نهادهای بین‌المللی به ویژه دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد (یوناما)، در کابل شده است. این در حالی است که دو روز پیش محمد محقق، رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان ادعا کرد که جنگ‌جویان طالبان یک پدر و پسر را در ارزگان به قتل رسانده‌اند. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

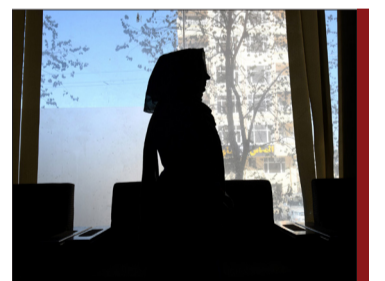
## صادق عصیان شاعر و نویسنده افغانستان درگذشت

۸صبح، کابل: منابع از درگذشت صادق عصیان شاعر، نویسنده و استاد پیشین دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه بلخ، در آلمان خبر می‌دهند. منابع روز یکشنبه، ۲ میزان، خبر درگذشت وی را تایید کرده‌اند. نزدیکان صادق عصیان می‌گویند که وی از مدتی به این سو در بستر بیماری به‌سر می‌برد. از این شاعر و نویسنده کشور، آثار زیادی در بخش نظم و نثر به‌جا مانده است. یکی از آثار ادبی آقای عصیان کتاب تحت عنوان «سیمما و سخن» است. در این کتاب زنده‌گی‌نامه و آثار ادبی نویسنده‌گان معاصر ولایت‌های بلخ، سمنگان و سرپل به معرفی گرفته شده است. در کنار این، پنج مجموعه شعری نیز از وی به‌جا مانده است. این نویسنده و پژوهشگر افغان پس از سقوط طالبان در اوایل دهه هشتاد، به‌عنوان استاد در دانشکده‌های زبان و ادبیات دانشگاه بلخ تقرر حاصل کرد. صادق عصیان در سال ۱۳۵۲ هجری خورشیدی در ولایت بلخ متولد شد و تا مقطع کارشناسی ارشد در بخش زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده بود.



## روایت آرزوهای خفته

از کودکی یاد گرفتم که زمان را نمی‌توان متوقف ساخت، ولی انسان‌ها را می‌توان متوقف کرد؛ گاه با یک وداع از این دنیا و گاهی هم با ممانعت...



## تعامل با طالبان با توجیه جبر سیاسی



## احمد مسعود: طالبان برخلاف ادعای خود حاضر به مذاکره نیستند

۸صبح، کابل: احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان گفته است که طالبان برخلاف آن‌چه ادعا می‌کنند، حاضر به مذاکره و مصالحه نیستند و این نشان می‌دهد که این گروه هیچ چیز از «دین» نمی‌داند. احمد مسعود روز شنبه، ۱ میزان، در یک نشست مجازی به مناسبت سالروز کشته شدن برهان‌الدین ربانی، رئیس پیشین شورای عالی صلح و رهبر حزب جمعیت اسلامی گفته است که طالبان «محبوبیت دور اول» خود را از دست داده‌اند. به گفته او، کشورهای خارجی نیز طالبان را نسبت به بار قبل بیشتر شناخته‌اند. وی اضافه کرد که طالبان از نام «طلاب و مدرسه» سوءاستفاده کرده و در صدد «دفاع بد» از اسلام و دین هستند. مسعود علاوه کرده است: «وظیفه ما ایستاده‌گی و مبارزه در مقابل دشمن است.» گفتنی است که برهان‌الدین ربانی، رهبر پیشین حزب جمعیت اسلامی، در ۲۹ سنبله ۱۳۹۰ از سوی فردی انتحاری که گفته می‌شود بمب را در عمامه‌اش پنهان کرده بود، کشته شد.





## ادبیات پرخاش‌گری و جوامع جنگ‌زده

جوامعی که در گرداب جنگ‌های گوناگون داخلی و خارجی فرو می‌غلتنند، گرفتار دور باطلی می‌شوند که رهایی از آن بسیار دشوار می‌شود. در این جوامع وضعیت روانی بسیاری از شهروندان دچار آشفتگی شده و تعادل خود را از دست می‌دهد و گفتار و رفتارشان به افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها می‌انجامد. بخشی از این آشفتگی در شکل‌گیری ادبیات پرخاش‌گری و ستیزه‌جویی نمایان می‌شود و زبان‌های زمخت همراه با خشونت کلامی را پدید می‌آورد. به عبارتی تیغ بران جای خود را به تیغ زبان می‌دهد و به جای استفاده از تیر و تفنگ، کلمات زننده و تحریک‌کننده کاربرد وسیع پیدا می‌کند.

افغانستان کنونی نمونه‌ای تمام‌عیار از یک جامعه جنگ‌زده و گرفتار خشونت است و یک بخش از این خشونت در سطح گفتار و زبان زخم‌زننده به خودآشکارگی می‌رسد. در سبک نوشتاری شمار قابل توجهی از شهروندان افغانستان، به‌شمول یک بخش از چهره‌های باسواد و نسبتاً معروف، پناه بردن به کلمات طعنه‌آمیز و تحریف‌کننده با بار عاطفی تلخ دیده می‌شود که نوعی از عقده‌گشایی و آسیب‌رسانی به هر نحو ممکن را تداعی می‌کند. مثلاً، شماری بدون شناخت دقیق از طرف مقابل، پیشینه و اکنون او و بدون اشراف بر نوشته‌ها و دیدگاه‌هایش، با جزم‌گرایی و کلی‌گویی بر وی هجوم می‌برد و به جای نقد دیدگاهش، به در هم شکستن اعتبار شخصی‌اش می‌پردازد. برای این کار، هر کس بنا به سلیقه فکری و ایدیولوژیک خود، اسلحه‌ای از زرادخانه ادبی و گفتاری‌اش بر می‌گزیند و به سراغ طرف مقابل می‌رود. کسانی که گرایش دینی دارند، اسلحه‌شان واژه‌گانی مانند کافر، ملحد، منافق، بی‌دین و مانند این‌هاست و کسانی که گرایش‌شان سکولار است به واژه‌گانی مانند مرتجع، نادان، واپس‌گرا، تاریک‌اندیش و مانند این‌ها متوسل می‌شوند. شماری دیگر طرف مقابل خود را جاسوس، خودفروخته، غرب‌زده، نوکر، مزدور، غلام‌بچه، فاشیست و مانند این‌ها می‌خوانند. اگر کسی بخواهد مجموع واژه‌گان زننده و هجومی از این دست را گرد آورد، شاید نتیجه‌اش به حجم لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های تخصصی برخی از رشته‌ها برسد.

در واقع، در طی نیم قرن زدوخورد فیزیکی و تبلیغاتی میان احزاب و گروه‌های مختلف، ادبیات پرخاش‌گری به بخشی از ادبیات اجتماعی و فرهنگی این سرزمین تبدیل شده است که جامعه را به سوی خشونت‌های بیش‌تر، دشمنی‌های مزمن و شکاف‌های پرنشدنی می‌راند. این ادبیات زمینه‌های گفت‌وگوی سالم و سازنده را به شدت از میان می‌برد و بستر خصومت و عداوت را بیش از پیش می‌گستراند. این ادبیات با آن که خود محصول جنگ است، اما هم‌زمان موجب تداوم این پدیده است که به پیدایش دور باطلی میان جنگ و ادبیات پرخاش‌گرانه می‌انجامد و جامعه را از خروج از این چرخه باطل عاجز می‌سازد.

اگر بخواهیم از میان این‌همه تاریکی، راهی به سوی افق‌های روشن‌تر گشوده شود به ناگزیر باید دست کم کسانی که از فرهیخته‌گی بیش‌تر و دانش بالاتری برخوردارند و هم‌زمان تعهدی اخلاقی نسبت به جامعه احساس می‌کنند، در گام نخست خود به شستن زبان گفتاری و نوشتاری خویش کمر همت ببندند و در گام دوم به ترویج ادبیات فاخر آمیخته با ادب و نزاکت‌های لازم در میان مخاطبان خود روی آورند. برای پایان دادن به این همه نفرت و خصومت، باید به پاکیزه‌سازی فضای گفتار و نوشتار از این وضعیت زهرآلود پرداخت و ادبیاتی را ترویج کرد که از آن بوی مهر و همدلی استشمام شود و راه‌های تفاهم و همکاری را میان ساکنان یک سرزمین بگشاید. باید به ادبیات پرخاش‌گری و خشونت‌گفتاری پایان داد.

## نشست «مبارزه با آپارتاید جنسیتی» بنت باید با زنان افغانستان صحبت شود، نه در مورد آنان



آن‌طور نیست. تشخیص جندر آپارتاید جنسیتی می‌تواند که یک اصل واقع شود برای ایجاد قوانین بین‌المللی که باعث می‌شود کشورهایی که به این اصل اهمیت نمی‌دهند، به رسمیت شناخته نشوند.

او بیان این‌که ایجاد سیستم حساب‌دهی در افغانستان می‌تواند به زنان کشور کمک کند تا به عدالت دست یابند، گفت: «محکمه جنایی بین‌المللی می‌تواند، زمینه خوبی برای حساب‌دهی توسط دعوای قضایی باشد.»

بنت همچنان پیشنهاد کرد که افرادی دست به نقض حقوق بشر می‌زنند، باید تحریم شوند. نصیراحمد فایق، سرپرست نمایندگی افغانستان در سازمان ملل متحد در آغاز این نشست گفت که محدودیت‌های طالبان علیه زنان و دختران، پی‌آمد منفی گسترده برای کل جامعه افغانستان خواهد داشت.

فایق گفته دو سال است که طالبان افغانستان را به «گروگان» گرفته و یک بحران اجتماعی بشردوستانه اقتصادی و سیاسی ایجاد کرده‌اند. او تأکید کرده است که زنان و دختران که نیمه از جامعه را تشکیل می‌دهند، بیشترین آسیب را تحت حاکمیت طالبان متحمل شده‌اند و این وضعیت چیزی کم‌تر از آپارتاید جنسیتی نیست که ارزش‌های مشترک جامعه‌ی بین‌المللی را تهدید می‌کند.

گفتنی است که سازمان ملل روز جمعه، ۳۱ سنبله، برای نخستین بار نشست برای بررسی «آپارتاید جنسیتی» در افغانستان با حضور نماینده‌گان کشورها و سازمان‌های حقوق بشری برگزار کرد. در این نشست ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای افغانستان، رینا امیری نماینده ویژه آمریکا برای حقوق بشر و زنان افغانستان و شماری از نماینده‌گان کشورهای سازمان ملل سخنرانی کرده‌اند.

۸صبح، کابل: ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای افغانستان، می‌گوید که بی‌اعتمادی زنان و دختران افغانستان بر جامعه جهانی «تنها با اقدامات عملی می‌تواند رفع گردد، نه با محکوم کردن‌ها و اظهار همدردی.»

بنت این اظهارات را روز جمعه، ۳۱ سنبله، در نشست که تحت نام «مبارزه با آپارتاید جنسیتی» در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل برگزار شده بود، مطرح کرده است.

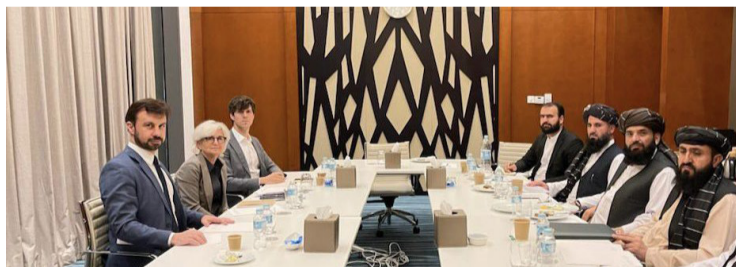
او به نقل از زنان افغانستان تأکید کرد که در میان زنان و دختران افغانستان «ناامیدی» به میان آمده و «جامعه جهانی با آنان خیانت کرده است.» بنت تصریح کرد: «حس فراموش شدن از سوی جامعه جهانی در میان زنان افغانستان به شدت ملموس است. زمانی من با زنان افغانستان در جاهای مختلف دیدار داشتیم، یک گونه ناامیدی را در سخنان‌شان حس کردم، دختران و زنان افغانستان به این باوراند که جامعه جهانی با آنان خیانت کرده است، ما با آن‌ها خیانت کردیم، این بی‌اعتمادی تنها با اقدامات عملی می‌تواند رفع گردد، نه با محکوم کردن‌ها و اظهار همدردی.»

ریچارد بنت، با بیان این‌که زنان افغان باید بصورت معنادار در تصمیم‌های سیاسی در درون افغانستان و در نهادهای بین‌المللی نقش داشته باشند، افزود: «باید با زنان افغانستان صحبت شود، نه در مورد آنان.»

به گفته وی، طالبان پالیسی «عمدی» برای زیر پا کردن حقوق زنان افغانستان را در پیش گرفته‌اند. اخیراً فعالان حقوق بشر و حامیان حقوق زنان درخواست‌های زیادی برای به رسمیت‌شناختن «آپارتاید جنسیتی» در افغانستان تحت کنترل طالبان مطرح کرده‌اند.

با این حال، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای افغانستان گفت: «آزار جنسیتی یک جرم بین‌المللی پنداشته می‌شود، اما جندر آپارتاید

## سهیل شاهین: از جامعه جهانی خواستیم برای تأمین معیشت کشاورزان خشخاش پروژه‌های جایگزین ارایه کند



افغانستان از دیدارش با نماینده‌گان طالبان خبر داده و گفته بود که آنان در مورد مبارزه با مواد مخدر در افغانستان گفت‌وگو کردند.

این دیدارها در حالی صورت می‌گیرند که دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد (UNODC) با نشر گزارشی تازه‌ای اعلام کرد که افغانستان سریع‌ترین تولیدکننده متامفتامین در جهان است.

بربنیاد این گزارش که در ۱۹ سنبله، نشر شد، قاچاق متامفتامین در افغانستان و کشورهای همسایه نزدیک به ۱۲ برابر افزایش است.

در این گزارش آمده است که کشف مواد مخدر در پنج سال از ۲۰۵ تن در سال ۲۰۱۷ به ۲۹۰۷ تن در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است.

۸صبح، کابل: سیل شاهین، رییس دفتر سیاسی طالبان در قطر از دیدار نماینده‌گان این گروه با ناتالیا کوبیتاوال، سفیر ایتالیا برای افغانستان خبر داده است.

شاهین در صفحه اجتماعی ایکس نوشته است که این دیدار روز جمعه، ۳۱ سنبله، در قطر انجام شده است.

به گفته او، نماینده‌گان طالبان در این دیدار از جامعه جهانی خواستند تا برای تأمین معیشت کشاورزان خشخاش در افغانستان، پروژه‌های جایگزین ارایه کند.

سهیل شاهین افزوده است که این پروژه‌ها به تقویت کارزار مبارزه با مواد مخدر کمک خواهد کرد.

پیش از این، کرن دیکر، کاردار سفارت آمریکا برای

## جنبش زنان عدالت خواه افغانستان در تهران: طالبان زنان افغان را از جامعه حذف کرده‌اند

۸صبح، کابل: جنبش زنان عدالت خواه افغانستان در تهران گفته است که زنان نیمه از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهند و پس از تسلط طالبان، از حقوق اساسی و طبیعی‌شان که همانا آزادی، تحصیل و کار است، محروم و به‌صورت کامل از جامعه حذف شده‌اند.

جنبش زنان عدالت خواه افغانستان در تهران روز شنبه، ۱ میزان، با نشر قطعنامه‌ای از گردهمایی اعتراضی گفته که پس از تسلط طالبان بیش از ۵۰ فرمان به هدف محدود کردن و هدف کامل زنان از جامعه صادر شده است.

در این قطعنامه آمده است: «ما همه بدون قیدوشرط خواهان بازگشایی دانشگاه‌ها و مکاتب دخترانه در سراسر کشور به‌روی دختران هستیم.»

آنان همچنان افزوده‌اند که جهان باید آپارتاید جنسیتی را در افغانستان به رسمیت بشناسد و نهادهای حقوق بشری باید اقدامات فوری و عملی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر، تبعیض جنسیتی و خشونت در مقابل زنان در افغانستان روی دست بگیرند.

پس از روی کارآمدن طالبان در افغانستان، این گروه محدودیت‌های زیادی را علیه دختران و زنان کشور وضع کرده است.

هم‌اکنون دختران و زنان اجازه رفتن به مکتب، دانشگاه و کار را ندارند.



## ابراهیم: مالیزیا به شدت نگران وضعیت وخیم انسانی و سیاست تبعیض‌آمیز طالبان در افغانستان است

۸صبح، کابل: انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالیزیا می‌گوید که این کشور به شدت نگران وضعیت وخیم انسانی در افغانستان است.

ابراهیم این اظهارات را روز جمعه، ۳۱ سنبله، در سخنرانی‌اش در هفتادوهشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح کرد. او همچنان در این نشست از «سیاست تبعیض‌آمیز» طالبان نسبت زنان و دختران افغانستان انتقاد کرده و گفت که «سلب حق تحصیل، نقض تعالیم اسلام است.»

وی اضافه کرد که منع آموزش زنان و دختران نه‌تنها نقض آموزه‌های اسلامی است، بلکه اصول مندرج در منشور ملل متحد و چارچوب چندجانبه حقوق بشر را نیز نقض می‌کند. این در حالی است که روز جمعه، ۳۱ سنبله، در حاشیه مجمع عمومی این سازمان، برای نخستین بار نشست برای بررسی «آپارتاید جنسیتی» در افغانستان با حضور نمایندگان کشورها و سازمان‌های حقوق بشری نیز برگزار شد.

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای افغانستان، در این نشست گفت که بی‌اعتمادی زنان و دختران افغانستان بر جامعه جهانی «تنها با اقدامات عملی می‌تواند رفع گردد، نه با محکوم کردن‌ها و اظهار همدردی.»



## وضعیت بازنشسته‌گان و موضع طالبان؛

# حقوق بازنشسته‌گه «معاش» نیست؟



امین کاوه

**بحران بشری و اقتصادی در افغانستان بر سایر جنبه‌های زنده‌گی شهروندان کشور نیز سایه افکنده است. شمار زیادی از گروه‌های اجتماعی می‌گویند که رنج و اندوه آنان در لایه‌های بحران انسانی فراموش شده است. در این میان، بازنشسته‌گان کشور که بیش از دو سال می‌شود که حقوق بازنشسته‌گی خود را دریافت نکرده‌اند و از شدت گرسنگی و وضعیت دشوار زنده‌گی خود شکایت دارند.**

بازنشسته‌گانی که یک عمر در نظام‌های مختلف سیاسی افغانستان برای بهبود وضعیت زنده‌گی مردم و حکومت‌داری عرق ریخته‌اند، اکنون برای لقمه‌ای نان در مظهر عام اشک می‌ریزند. صدای گریه‌های ناشی از شدت گرسنگی آنان، روح و روان جامعه فرورفته در بحران را می‌آزارد. کهولت سن، بیماری، گرسنگی و بیکاری دوام‌دار تعدادی از متقاعدان را مجبور به تکدی‌گری کرده است. نوارهای دیداری و شنیداری زیادی پس از سلطه طالبان از وضعیت زنده‌گی بازنشسته‌گان در رسانه‌های جمعی به نشر رسیده که بازتاب‌دهنده درمانده‌گی و فرافتاده‌گی آنان است. طالبان در بیش از دو سال گذشته حقوق بازنشسته‌گان را پرداخته نکرده و گفته‌اند که حقوق تقاعدی، معاش نیست. بازنشسته‌گان تاکید می‌ورزند که پرداخت هزینه تقاعدی حق قانونی‌شان است که در جریان خدمت از معاش‌شان کم شده است. آنان می‌گویند که بارها به ریاست خزینه تقاعد و سایر نهادهای مربوط مراجعه کرده، اما مایوسانه به خانه برگشته و سر سفره خالی کودکان خود، اشک ریخته‌اند. بازنشسته‌گان می‌گویند که اگر به وضعیت آنان توجه نشود، اکثریت آن‌ها در زمستان پیش‌رو از بین خواهند رفت.

ناسور مبدل کرده که هر لحظه روح و روان‌شان را می‌آزارد. به گفته آنان، هر چند حقوق بازنشسته‌گی کفاف زنده‌گی‌شان را نمی‌کند، اما برای زنده ماندن، این مقدار کم اگر به‌صورت دوام‌دار برسد، از مرگ نجات خواهند یافت. شکیلا (مستعار) می‌گوید که اکنون پیر شده و کسی دستش را نمی‌گیرد. او تصریح می‌کند که قبل از تسلط طالبان با دریافت حقوق بازنشسته‌گی شوهرش روزگار را می‌گذرانند، اما دو سال می‌شود که توش‌وتوان ادامه حیات برایش نمانده و در آخر عمر وضعیت دشوار و تلخ را پشت سر می‌گذارد.

دادالله، متقاعد، که بیش از ۴۰ سال مصروف کار در اداره‌های مختلف دولتی بوده است، حدود پنج ماه قبل از سلطه طالبان، بازنشسته شده است. او می‌گوید: «کسی به ما خیرات نمی‌دهد؛ از پول ما وضع شده و در خزانه دولت ذخیر شده است. ما حق خود را می‌خواهیم. پول خود ما را به ما پس بدهند.»

عبدالحی خطیبی، سخنگوی والی غور در حکومت پیشین و یکی از متقاعدان کنونی، در صفحه فیس‌بوکش از عدم پرداخت حقوق بازنشسته‌گی شکایت کرده است. او نوشته که متقاعدان توانایی کار فزینگی را ندارند و محتاج یک لقمه نان خشک و یک قرص تابلت‌اند. او افزوده است که در سابق پسوند اسم کارمند

است، می‌گوید: «با انواع مشکلات مواجه هستیم. نه پای رفتن دارم و نه توان کار کردن. معاشی را که حق قانونی‌ام است، نمی‌دهند و هر روز یک بهانه می‌آورند. امید خود را قطع کرده‌ام.» این در حالی است که براساس قانون کار دولت پیشین، حقوق بازنشسته‌گی کارمندان محفوظ است و کسانی که در رأس اداره‌های دولتی قرار می‌گیرند، مکلف به پرداخت حق قانونی متقاعدان هستند. طالبان اما می‌گویند که حقوق بازنشسته‌گی، معاش شمرده نمی‌شود و متقاعدانی که توانایی کار را دارند، کار کنند. طالبان در وضعیتی چنین از چنین طرح‌هایی سخن می‌گویند که هزاران جوان دانش‌آموخته و متخصص بیکارند. براساس آمار معینیت امور جوانان طالبان، بیش از یک‌ونیم میلیون جوان دانش‌آموخته بیکارند.

بازنشسته‌گان کشور در دو سال گذشته در کابل و شماری از ولایت‌ها بارها دست به اعتراض زده‌اند. آنان از رژیم طالبان خواسته‌اند که حقوق تقاعدی‌شان را پرداخت کند، اما مقام‌های این گروه، سرنوشت متقاعدان را به تصمیم رهبر خود واگذار کرده‌اند. در حال حاضر چشم بازنشسته‌گان به قندهار دوخته شده و روشن نیست که رهبر طالبان توجهی به وضعیت این بازنشسته‌گان می‌کند یا خیر.

از سوی دیگر، منابع می‌گویند که رییس انجمن متقاعدان و شماری از نماینده‌های بازنشسته‌گان به قندهار رفته‌اند و تلاش دارند صدای خود را به گوش رهبر غایب طالبان برسانند؛ اما روشن نیست که موفق به این کار می‌شوند یا نه.

بررسی و رسیدگی به وضعیت حقوق متقاعدان در حکومت پیشین نیز یکی از چالش‌های جدی به شمار می‌رفت. سوءاستفاده و اختلاس از ادعایی بود که پیوسته از سوی مردم و بازنشسته‌گان علیه حکومت قبلی مطرح می‌شد. اما کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری (میک) اعلام کرده بود که ۸۰ درصد بازنشسته‌گان ملکی و نظامی را بایومتریک کرده است که می‌تواند میزان تقلب و فساد در ادارات مربوط به خزینه تقاعد را کاهش دهد.

دولتی «خان» بود، اما اکنون «خان جای خود را به گدا و گرسنه» بدل کرده است. از سوی دیگر، نوارهای تصویری از بازنشسته‌گان در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد برخی از آنان از فقر و گرسنگی شدید شکایت دارند و فرزندان‌شان را به فروش گذاشته‌اند. این بازنشسته‌گان می‌گویند که از بیکاری و ناداری مجبور شده‌اند دست به گدایی نیز دراز کنند. آنان تاکید می‌ورزند که در جریان خدمت از معاش‌شان کسر می‌شد تا بتوانند در هنگام پیروی احتیاجات ضروری خود را رفع کنند، اما طالبان از پرداخت حق قانونی آن‌ها ابا می‌ورزند.

براساس گزارش‌ها، در حال حاضر حدود ۱۵۰ هزار بازنشسته در کشور وجود دارند که از این میان ۱۰ هزار و ۵۸۶ تن آنان را زنان و باقی را مردان تشکیل می‌دهند. همچنان انجمن متقاعدان گفته است که ۹۲ هزار و ۲۵۴ تن از بازنشسته‌گان، کارکنان خدمات ملکی و ۵۶ هزار و ۶۲۷ تن آنان از قوای امنیتی سابق هستند. این متقاعدان در حالی از عدم پرداخت حقوق خود شکایت دارند که رژیم طالبان در دو سال گذشته، موضع‌گیری‌های متفاوت در قبال آنان داشته است. وزارت مالیه تحت کنترل این گروه قبلاً گفته که چهار میلیارد افغانی را برای حقوق متقاعدان در بودجه سال جاری گنجانده و خواسته‌های آنان را با رهبر این گروه در میان گذاشته است، اما کابینه طالبان در ماه حمل ۱۴۰۲، در فیصله خود گفته است که حقوق بازنشسته‌گی، معاش شمرده نمی‌شود.

در فیصله کابینه این گروه آمده است: «فیصله گردید که حقوق تقاعد و معلولیت معاش شمرده نمی‌شود، اما تمام ارگان‌های امارتی می‌توانند آن عده متقاعدینی که توانایی انجام کار را دارند، به‌طور بالمقطع و معلولان را به‌گونه رسمی استخدام نمایند.»

این در حالی است که افراد دارای معلولیت نیز از بیکاری و بی‌سرنوشتی شکایت دارند. یکی از متقاعدان که در نتیجه انفجار ماین کارگذاری شده از سوی طالبان، معلول شده

## بسته‌شدن راه سالنگ؛

# باشنده‌گان شمال؛ با مشکلات جدی مواجه هستیم

به‌گونه کامل به روی رفت‌وآمد مسدود کرده است. با بسته شدن این شاهراه، انتقال اموال تجارته به وسیله موترهای تریلری به‌گونه کامل متوقف شده است و مسافران نیز از مسیر راه بغلان - بامیان و پنجشیر - اندراب رفت‌وآمد می‌کنند.

با این حال، خرابی راه مسیره‌های بغلان - بامیان و پنجشیر - اندراب شهروندان را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. شماری از مسافران و راننده‌گان از خرابی و کم‌عرض بودن این مسیره‌ها شکایت می‌کنند. پیش از این شهروندانی که از بلخ و سایر ولایت‌های شمال به کابل سفر می‌کردند، از طریق شاهراه سالنگ با موترهای بس ۵۸۰ در حدود ۸ تا ۱۰ ساعت سفر به کابل می‌رسیدند، اما اکنون رسیدن به پایتخت از مسیر راه بغلان - بامیان تا بیش از یک شبانه‌روز را در بر می‌گیرد.

افزایش یافته است. این در حالی است که در روزهای اخیر، تکت هوایی سفر به شمال نیز حدود ۱۰ دالر افزایش یافته است. گفتنی است که طالبان مسیر شمال را برای ۳۵ تا ۴۰ روز بسته‌اند، اما به‌گونه دقیق مشخص نیست که کار روی ترمیم این جاده تا چه زمانی ادامه خواهد یافت. شاهراه سالنگ نُه ولایت شمال و شمال‌شرق افغانستان را به پایتخت وصل می‌کند. نزدیک به نصف نیازمندی‌های کشور توسط بنادر آقینه و حیرتان و از طریق همین مسیر تامین می‌شود. وزارت فواید عامه طالبان اما در ۱۹ سنبله اعلام کرد که این مسیر را به منظور بازسازی داخل تونل،



کوه ۸ صبح، بلخ

وزارت فواید عامه طالبان با بستن شاهراه سالنگ به روی رفت‌وآمد، باشنده‌گان شمال کشور را با چالش‌های جدی ترانسپورته مواجه ساخته است. این نهاد زیر کنترل طالبان بدون در نظر گرفتن راه‌های بدیل و اندک‌ترین ترمیم مسیر بغلان - بامیان، بیش از یک هفته مسافران را در بی‌سرنوشتی کامل قرار داده است. مسافران با شکایت از طولانی شدن راه، می‌گویند که مجبورند کرایه بیش‌تری بپردازند. همچنان راننده‌گان شکایت دارند که با تغییر جاده، عوارض موترها به‌گونه بی‌پیشینه



## بدن به مثابه امر سیاسی؟

# کاستن عاملیت فردی و ساختن بدن های رام

کج عایشه خراسانی

پذیرفتنی است، جا گیرد و عمل کند تا نماینده گی از آنان کند. فوکو این مساله را محاصره سیاسی بدن می دانست.

نوشته حاضر در پرتو پیش درآمد بالا در پی تبیین آنچه در افغانستان بر بدن ها می گذرد و رابطه بدن با قدرت است. شرایط جاری در کشور نشان گر این موضوع است که بدن افراد در محاصره سیاسی قرار دارد؛ بدن افراد بازنمایی برای ایدئولوژی رژیم حاکم تبدیل شده است. مردم حق مالکیت بر بدن خویش را از دست داده اند؛ حق انتخاب پوشش از آنان سلب شده است و آن گونه که خود می خواهند، نمی توانند در سطح شهر و جامعه ظاهر شوند. در واقع، کنترل بر بدن افراد یکی از مهم ترین جلوه های سلطه طالبان بوده است. طالبان از همان آغاز تسلطشان به هدف نمایش جامعه کاملاً «افغانی - اسلامی» در پی تغییر در ظاهر افراد و ایجاد مقررات بالای مردم، برآمدند. وضع محدودیت در پوشش و چگونه گی آراستن ظاهر را طالبان نخست در سطح شهر میان مردم عام یا از بلندگوی مساجد جامعه پخش کردند و چیزی از آن نگذشته این محدودیت را به صورت مکتوب طی اعلامیه هایی صادر کردند. در ماه ثور ۱۴۰۱ پوشش خاص «حجاب شرعی» و «برقع عربی» برای زنان اجباری شد و در ۱۶ حمل سال جاری برای دانش آموزان دختر و پسر لباس خاصی با اندازه و شکل خاص، تعیین کرده شد. همچنان استادان دانشگاه ها و مکتب ها اعم از زن و مرد در این دو سال مجبور به پوششی کرده شده اند که به مذاق رژیم حاکم خوش می خورد.

پرواضح است که با توجه به ماهیت گروه طالبان، در سایه تسلط این گروه، پوشش مردم قبل از آن که عمل شخصی و به انتخاب خود شخص باشد با معادلات قدرت و سیاست رژیم حاکم و بازسازی نظم اجتماعی مورد نظر آن ها گره خورده است؛ زیرا که صاحبان قدرت، ساختن نظم اجتماعی مورد نظر خویش را در تعیین چگونه گی و دست کاری در پوشاک و اندازه مو وریش مردم، امکان پذیر می دانند. رفتار مردم را تحت نظارت خود گرفته و محدودیت هایی را خلق کرده اند که به افراد دیکته می کند چه بپوشند، کجا بروند، ریش و موی شان چه اندازه باشد، بلندی صدا و خنده شان کجا و در چه حد باشد.

بنابر این، پس از به قدرت رسیدن طالبان بدن

زنان آسیب بیش تری رسیده است/ می رسد. از این رو، پوشش زن افغانستان، نه امر زیباشناسانه است، نه نوعی ضرورت زنده گی انسانی که در اختیار زنان باشد. حق انتخاب پوشش زنان پس از طالبان، نخستین موضوعی بود که در گناه پنداشتن و جرم انگاری «بی حجابی» از دست رفت. در واقع، حجاب زنان تبدیل به امر سیاسی شده و نشان دهنده قدرت کنترل و نظارت بر بدن زنان است. از نظر اخلاقی نیز «حجاب» تبدیل به معیار سنجش تفاوت میان «زن مسلمان» و «زن کافر» و عفت زنان شده است، به این معنا که زن «محجبه» زنی است مورد تایید رژیم حاکم و دارای اعتبار اخلاقی و زنی که در این دایره جا نگیرد حقیقتاً تنبیه و مجازات است.

با توجه به محدودیت و ضوابطی که در مورد پوشش زنان از سوی طالبان وضع شده است و سخت گیری ای که در این مورد وجود دارد، یاد کرد. این نکته بی جا نخواهد بود که رژیم حاکم هویت و هستی خویش را بر بدن زن پیوند زده است. چه این که همواره در سخنرانی ها و مکتوب های شان یاد کرده اند که برای اصلاح جامعه از فساد و برای حجاب زن افغانستان جنگیده و خودکفانی کرده اند و برای همین این گونه پافشاری بر پیچاندن بدن زن - که از نظر آن ها عامل فساد و وسوسه انگیز است - تاکید دارند.

از نخستین روزهای تسلط طالبان بر افغانستان تا این دم، قدم به قدم از اختیار زنان بر بدن های شان کاسته شد تا این که به صفر رسید. سال گذشته، هنگامی که دانشگاه ها به روی دختران باز بود طالبان برای دختران دانشجو و استادان دانشگاه شکل خاصی از پوشش را در نظر گرفته بودند که مسوولان امر به معروف و نهی از منکر طالبان ماهوار به دانشگاه ها رفته و قواعد آن را برای دختران دانشجو قرائت می کردند. بعد از آن پوشیدن ماسک و لباس بلند را برای زنانی که در رسانه ها مشغول به کار بودند، اجباری شد. در کنار این، زنان در بیرون از خانه در فضای عمومی نیز مکلف به مراعت حجاب شده اند. همچنان طالبان دختران دانش آموز از صنف اول به بعد را ملزم به سر کردن چادر و دختران بالاتر از صنف هفتم مجبور به پوشیدن چپن فولادی و ماسک گردیده اند.

تخطی از این محدودیت ها و قواعد وضع شده بر پوشاک عواقبی نیز در پی دارد. طالبان برای حفظ نوعیت پوششی که برای مردم در نظر گرفته اند تا کنون روش های مختلفی را به کار گرفته اند؛ از تبلیغ و نصب پوسترها و دیوار نویسی ها در خصوص «حجاب زن مسلمان» در جاده ها و سطح شهرها گرفته تا روش تنبیهی اجازه ندادن دختران دانشجو به دانشگاه در صورت نداشتن ماسک و حجاب سیاه و ایست های بازرسی در شهرها. تازه ترین مورد همین چند روز پیش بود که دختری به دلیل مراعات نکردن حجاب اجباری طالبان توسط این گروه بازداشت شد.

بدین ترتیب، حجاب اجباری یکی از مهم ترین حربه های سیاسی رژیم طالبان بوده که کارکرد آن فراتر از پوشاندن بدن و سر زنان است. حجاب اجباری با کدبندی مشخص و تعیین چوکات دقیق برای پوشش و پیروی از آن، نه تنها سازنده هویت جنسیتی که مطلوب رژیم حاکم است، می باشد، بلکه دیگر هویت ها را نیز طرد و نفی می کند. طالبان با تعیین چگونه گی پوشش مردم تلاش دارند بدن ها را به نظم درآورند و از عاملیت فردی بکاهند تا بدن رام شده مجبور به اطاعت منفعلانه از دستورات رژیم حاکم شود. در نتیجه، طالبان با وضع کردن محدودیت ها در خصوص پوشاک و ظاهر مردم در پی به کنترل در آوردن بدن ها و به وجود آوردن بدن های مطیع و فرمان بردار هستند.

### پرواضح است که با توجه به

### ماهیت گروه طالبان، در سایه

### تسلط این گروه، پوشش مردم

### قبل از آن که عمل شخصی و

### به انتخاب خود شخص باشد با

### معادلات قدرت و سیاست رژیم

### حاکم و بازسازی نظم اجتماعی

### مورد نظر آن ها گره خورده

### است؛ زیرا که صاحبان قدرت،

### ساختن نظم اجتماعی مورد نظر

### خویش را در تعیین چگونه گی و

### دست کاری در پوشاک و اندازه

### مو وریش مردم، امکان پذیر

### می دانند.

افراد به ابزار سیاسی تبدیل شده است. به این معنا که ساحت های مختلف بدن در زنده گی اجتماعی و حوزه شخصی توسط رژیم حاکم مورد کنده کاری قرار گرفته است و به مثابه بعد مادی و جدایی ناپذیر شخصیت و تنانگی و بدنمندی افراد، مورد توجه قرار دارد. هر شکل کنش و رفتاری که با ذهنیت رژیم حاکم ناممخوان و در تضاد است بازنگری شده و یا هم به مثابه شخصی که تخلف کرده است، مورد پیگیری قرار می گیرد. به همین سبب، حتا بدن فرد و کنش تنانه او می تواند همچون عدم اطاعت و اعتراض در نظر آید. به این منظور طالبان سعی دارند با کنترل، تغییر و تنظیم بدن ها، به تربیت، رام ساختن و تغییر ویژه گی های مردم از نسلی که به اصطلاح پرورش یافته نظام دموکراسی هستند، به نسلی مطابق با خصوصیت ها و شمایی که طالبان می خواهند، دست بزنند.

### کنترل بر بدن زن

در گفتمان سنت محور و مردسالار، زن امر سیاسی و بدن او میدان بازنمایی قدرت است. طالبان به عنوان گروهی که تا خرخره غرق در مردسالاری اند و رژیم طالبانی که براساس تسلط بر بدن زن و انقیاد آن بنا شده است همواره در تلاش است تا بدن زن را به بدن مطیع تبدیل کرده و مجال عصیان گری را از آن بگیرد. سیاست های طالبان از آغاز تا کنون در راستای کنترل بدن ها و به ویژه کنترل بدن زنانه بوده است؛ زن را به تن او فروکاست داده و به دل خواه خود در موردش حکم می کنند. اگرچه مردان و زنان هر دو قربانی دستورات طالبان هستند؛ اما در امر کنترل بدن و حق مالکیت بر آن، زنان مخاطب جدی طالبان هستند و از این زاویه به

## روایت آرزوهای خفته



که میزوه هاشمی

از کودکی یاد گرفتم که زمان را نمی‌توان متوقف ساخت، ولی انسان‌ها را می‌توان متوقف کرد؛ گاه با یک وداع از این دنیا و گاهی هم با ممانعت و مقید ساختن. از اولی‌گریزی نیست؛ اما دومی را می‌توان دور زد و نوری میان تاریکی‌ها جست. من در دوران کودکی در یکی از قریه‌ها که سراسر آن سبزه‌زار است و بوی خوش دارد، زیست می‌کردم. دوران طفولیت همچون دوره پرتلاطم و پر از خاطره‌های هیجان‌آور و شاد در ذهن من حک شده است و هر بار که یادی از طفولیت می‌کنم لیخند ملیحی ناخودآگاه بر لبانم جا خوش می‌کند. آن زمان مانند همه کودکان بی‌خیال از همه کشمکش‌ها و تنش‌های زنده‌گی بودم. شب‌ها به خیال روز شدن و روزها با بازی‌های طفلانه می‌گذشت. چون که خانه ما در یک قدمی سرک بود، بیش‌تر روزها را با نشستن روی سنگ و تماشا کردن و حساب کردن موترهایی که رفت و برگشت می‌کردند، سپری می‌کردم. همیشه آرزوی این را داشتم که روزی بزرگ شوم و به آرزوهای کسی که قبل برای خود در نظر گرفته بودم، برسیم. دقیق به یاد دارم، باری از پدرم پرسیده بودم که چه زمانی می‌توانم لباس و کلاه مخصوص فراغت را به تن کنم؟ پدرم می‌گفت هر زمان که بزرگ شوی و درس‌هایت تمام شد، می‌توانی بپوشی. آن زمان من حتی به مکتب نمی‌رفتم و به‌خاطر این که سنم خرد بود و حق شمولیت نداشتم. شوق و انگیزه کلاه فراغت چنان در من جان گرفته بود که روزی با نخ خیاطی دندان خود را شکستم تا واجد شرایط مکتب شوم. دندانم شکست و من پنج ساله خودم را هفت ساله جا زده و وارد مکتب شدم.

با شور و شوق فراوانی که داشتم به مکتب می‌رفتم. تا صنف ششم در قریه‌مان بودم. بعد از آن مشکلاتی پیش آمد که مجبور به ترک زادگاهم شدم و راه شهر را در پیش گرفتیم. در شهر مکتب رفتم و زیاد درس خواندم تا این که توانستم مکتب را با نمرات بهتر به پایان برسانم. تا این جا زنده‌گی را ساده فکر می‌کردم؛ همچو آب روان و در جهت رسیدن به آرزوهایم. من ساده راه زنده‌گی را همچو مسیر هموار می‌دانستم. بی‌خبر از این که بزرگ شدن معماهای نازل شده دارد و زنده‌گی پستی و بلندی بی‌شمار.

پدرم از دور اول رژیم طالبان همیشه تعریف می‌کرد، از مشکلاتی که متحمل می‌شدند، از سختی‌ها و دشواری‌هایی که فراراه‌شان قرار گرفته بود و آن‌ها را مچاله کرده بود و مجبور می‌ساخت تا با زنده‌گی بسازند. من با شنیدن قصه‌های پدرم شکرگزار بودم که حداقل ما نسلی هستیم که خوش‌شانس‌تر از پدران و مادران مان و چه خوب است که آن دوره دوام نیآورد. ولی بی‌خبر از این که ما نسلی هستیم محکوم به تکرار و محکوم به زنده‌گی در خط باریک میان مرگ و زنده‌گی.

چهره خشن زنده‌گی برای منی که برای رسیدن به مدارج بالا عجله داشتم با تمام شدن مکتب نمایان شد. آغاز دانشگاه‌ها فصل خزان شد و من چند ماه منتظر کانکور ماندم. به دانشگاه راه یافتیم و چندی نگذشت که ویروس کرونا همه جا را فرا گرفت. اما از همه وحشت‌ناک‌تر جنگ بود. ما در شهر و منطقه جنگ‌زده درس می‌خواندیم. دانشگاه ما در یک منطقه دور از مرکز شهر بود و ناامن. هر لحظه امکان جنگ می‌رفت. ولی تحمل کردم و با ترس و همه اضطرابی که داشتم راهی دانشگاه شدم. برای همه واضح است که انسان در زمان مطالعه و درس خواندن نیاز به آرامش ذهنی و فزونی دارد؛ ولی متأسفانه که از ما چنین چیزی نبود. در دانشگاه ما احتمال هر لحظه حمله می‌رفت. بعضی از روزها در ساعات درسی ما چهار طرفش پنجره بود و ما به چوکی‌های خود چسپیده و مات و مبهوت و در ترس منتظر ختم جنگ می‌ماندیم و یا گاهی دنبال راه گریز از دانشگاه می‌بودیم. ما با امید به دانشگاه می‌رفتیم و برگشت ما معلوم نبود. یکی از روزها در مسیر دانشگاه موتر ما را اجازه رفتن به دانشگاه ندادند. من اصرار به رفتن کردم و سرانجام راه را باز کردند و کمی از ازدحام عبور ناکرده زیر رگبار گلوله قرار گرفتیم. همه جا را خاک و غبار پوشانده بود و ما منگ مانده بودیم که چه کنیم. تا این که راننده جالاکسی کرده و برگشت کرد. با تمام چالش‌ها و رخصتی‌های پی‌هم به دلیل جنگ و کرونا بازم ما به درس ادامه دادیم. با تمام این مشکلات سعی می‌کردیم دوام بیاوریم و درس خود را بخوانیم. اما یک‌باره همه چیز چهره عوض کرد. سمس‌تر هفتم بودیم که طالبان قدرت را به‌دست گرفتند. چون تازه خمار قدرت بودند آن‌چنان قیود وضع نکردند و حداقل توانستیم از دانشگاه فارغ شویم. اما من به‌دنبال تحقق آرزوی کودکی‌ام در این ناملاطی‌ها بودم. آرزوی به تن کردن لباس فراغت. به ما اجازه ندادند، اما با اصرار زیاد، رهبری دانشگاه را راضی به گرفتن جشن فراغت کردیم. اما کافی نبود و یک‌باره امید ما صفر شد و اصرارهای مان بیهوده.

رویه‌های کودکی‌ام رویا باقی ماند. آن رویا مرا تا این‌جا کشانده بود؛ هر بار در موردش فکر می‌کردم بیش‌تر تلاش می‌کردم و عالی‌تر از پیش می‌درخشیدم. اما همان‌طور که در ذهن من بود، آویخته ماند و دست من برایش نرسید. ولی می‌دانم که این پایان راه نیست. تا من هستم و مسیر علم و آگاهی فراراه من قرار دارد، دست از قدم زدن در این مسیر برنخواهم داشت. از همان روزهایی که محدودیت‌ها آغاز شد، با خودم عهد کردم که هیچ وقت تسلیم این روزگار تلخ نشوم و باید تلاش کنم؛ تنها کاری که می‌توانم در حال حاضر انجام دهم. ما شکست نمی‌خوریم، مگر این که دست از تلاش کردن برداریم.

## نخست‌وزیر قطر: با طالبان روی مواردی از جمله ضرورت بازگشتن زنان به کار توافق کردیم



**۸ صبح، کابل:** محمد بن عبدالرحمن بن جاسم آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر گفته که در سفر سه ماهه قبلیش به قندهار، با طالبان روی مواردی از جمله ضرورت بازگشتن زنان به کار توافق کرده است. محمد بن عبدالرحمن بن جاسم آل ثانی روز پنج‌شنبه، ۳۰ سنبله، در گفت‌وگو با کریستین امان‌پور، خبرنگار سی‌ان‌ان گفته است: «بحث‌های من در قندهار با طالبان بسیار واضح بود. اگر می‌خواهید بخشی از جامعه بین‌المللی باشید، باید با ما همکاری

کنید تا کشورتان به یک کشور مدرن اسلامی مثل قطر تبدیل شود.» نخست‌وزیر قطر در پاسخ به پرسشی که آیا طالبان سخنان وی را قبول کردند یا خیر نیز گفته است: «تقریباً امیدوارم.» او تصریح کرده که از رهبری طالبان خواسته است اجازه دهد زنان به کارشان به‌خصوص در سازمان‌های غیردولتی برگردند و به دیگر خانواده‌ها در افغانستان کمک ارایه کنند. به گفته او، زنان در قطر بسیار سازنده هستند و در سطوح رهبری وزارت‌خانه‌ها و سفارت‌خانه‌ها کار می‌کنند. آل ثانی از قطر به‌عنوان یک کشور مدرن اسلامی یادآوری کرده است که در آن زنان آزاد و بخش فعال از جامعه هستند. این در حالی است که با گذشت دو سال از حاکمیت طالبان در افغانستان، این گروه تا کنون به دختران و زنان اجازه رفتن به مکتب، دانشگاه و کار را نمی‌دهد. قطر از جمله کشورهایی می‌باشد که روابط نزدیک با طالبان دارد و دفتر سیاسی این گروه هم‌اکنون در آن کشور فعال است.

## رویدادهای ترافیکی در نیمروز و بادغیس؛ دو تن جان باختند و ۱۸ تن زخمی شدند



**۸ صبح، نیمروز:** منابع محلی در نیمروز و بادغیس از جان باختن دو تن و زخمی شدن ۱۸ تن در پی وقوع رویدادهای ترافیکی در این ولایت‌ها خبر داده‌اند. منابع می‌گویند که روز جمعه، ۳۱ سنبله، یک موتر مسافری نوع ۴۰۴ در ساحه غرغری ولایت نیمروز از جاده منحرف و سپس واژگون شده است. گفته می‌شود که یک تن در این رویداد جان باخته و ۱۸ تن دیگر به‌شمول زنان و کودکان زخمی شده‌اند. زخمیان این حادثه تا ناوقت شب گذشته به شفاخانه ولایتی زرنج منتقل شده و وضعیت

شماری از آنان وخیم بوده است. منابع علت این رویداد ترافیکی را بی‌احتیاطی راننده عنوان کرده‌اند. در همین حال، منابع از ولایت بادغیس می‌گویند که صبح امروز در پی برخورد یک عراده موترسایکل با یک موتر در مربوطات شهر قلعه‌نو مرکز این ولایت یک جوان جان باخته است. طالبان در ولایت‌های نیمروز و بادغیس تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که چند روز پیش در پی برخورد یک موتر نوع مازاد با یک تیلر در شاهراه هرات-تورغندی سه تن جان باختند و چهار تن دیگر زخمی شدند.

## حمله ارتش آزادی‌بخش بلوچ بر دو پایگاه نظامیان پاکستان؛ یک تن کشته شد و چهار تن دیگر زخمی شدند

پایگاه نظامیان پاکستان در منطقه «گورکوپ» بلوچستان حمله کردند و در پی آن دست کم دو نظامی آن کشور زخمی شده‌اند. این جریان نظامی تاکید کرده است که حملات آنان تا «خروج» نظامیان پاکستانی از بلوچستان ادامه خواهد داشت. حکومت پاکستان تا کنون در این مورد ابراز نظری نکرده است. ارتش آزادی‌بخش بلوچ از جریان‌های نظامی جدایی‌طلب ضد دولت پاکستان است و برای تشکیل دولت مستقل با ارتش پاکستان درگیر هستند.

ارتش آزادی‌بخش بلوچ ادعا کرد که نیروهای این جبهه بر دو پایگاه نظامیان پاکستانی در بلوچستان حمله کرده‌اند. ارتش آزادی‌بخش بلوچ با نشر اعلامیه‌ای گفته که این حمله حوالی ساعت ۶:۰۰ بامداد شنبه، ۲۳ سپتامبر، بر یک پایگاه نظامیان پاکستانی در منطقه جاثو بلوچستان انجام شده است. به گفته این جبهه، در پی این حمله دست کم یک نیروی نظامی پاکستان کشته و دو تن دیگرشان زخمی شده‌اند. بر بنیاد اعلامیه، نیروهای ارتش آزادی‌بخش بلوچ شام‌گاه جمعه، ۲۲ سپتامبر، نیز بر یک

# تعامل با طالبان باتوجه جبر سیاسی

کتاب بردیا معین



این روزها دیده می‌شود که برخی از چهره‌های سیاسی مطرح گذشته، با طالبان دیدارهای پیدا و پنهان دارند که سبب سروصداهایی در فضای مجازی شده و توانسته مخالفان طالبان را در بیرون از افغانستان به دو گروه تقسیم کند. به باور تعدادی، کسانی که زمانی داعیه‌دار آزادی و عدالت بودند، حالا چه شده است که به‌ساده‌گی سر و تیپ عوض می‌کنند و با مقام‌های طالبان وارد گفت‌وگوهای شخصی می‌شوند. استدلال این گروه این است که این افراد نه در گذشته موقف روشنی در قبال نابه‌سامانی‌های سیاسی و اجتماعی داشتند و نه امروز از برنامه مشخص سیاسی برخوردارند. به تعبیری، این آدم‌ها مزدبگیرهای شبکه‌های اطلاعاتی شورهای اند که دو سال از کار است از طالبان قباحت‌زدایی می‌کنند و برای‌شان دالر و ریال می‌فرستند. گروهی دیگر اما به هر دلیلی با این دیدگاه مخالفت می‌کند و روابط این افراد با طالبان را ناشی از جبری می‌داند که به آن گرفتارند. پرسش اما این است که چه کسانی در افغانستان مجبور به تحمل وضعیت موجود هستند؟ آیا تحمل وضعیت موجود، با تعامل با وضعیت موجود، روندی یکسان را طی می‌کند؟

به نظر می‌رسد ارتباط همه افراد جامعه با طالبان را اگر در محور جبر و ناگزیری موجود تعریف کنیم، تردیدی نیست که این مساله به ابزاری کارآمد در جهت توجیه موافقت‌های پنهان و آشکار جامعه با طالبان تبدیل شود؛ چیزی که در آینده سبب خواهد شد تا مرز مخالفان و موافقان طالبان را کم‌رنگ سازد و به بی‌اعتباری فریادهای عدالت‌خواهانه بینجامد. شاید آن زمان به مشکل بتوان از اعتبار ارزش‌های انسانی (آزادی، عدالت و برابری) سخن گفت و به داعیه‌داران آن‌ها اطمینان کرد.

## جبر موجود چیست؟

اگر ما درک درستی از «جباریت» که یکی از مولفه‌های بنیادین رژیم‌های استبدادی است داشته باشیم، توضیح این سخن که چرا مردم از

روی جبر تن به برقراری ارتباط با حاکمیت‌های ستمگر می‌دهند، به‌خوبی قابل درک است. از سویی، این تفکیک که چه کسی از روی اجبار و یا چه کسی از روی اختیار حاکمیت ظلم را می‌پذیرد، امری دشوار است. البته تا حدودی، و با حفظ استثنائات، می‌توان به این مساله پرداخت و به دسته‌بندی مختصر دست یافت. نکته قابل توجه این است که نباید تردید داشت وقتی می‌گوییم: مردم زیر جبر سیاسی موجود قرار دارند، طالبان خوشحال نشوند و به‌به چه‌چه نزنند. این سخن (جبر سیاسی) در واقع توصیفی دقیق از قدرت لخت و عریان رژیم‌های استبدادی است که به دنبال خود ترس و وحشت می‌آورند و جرئت اخلاقی مردم را در برابر خود به تحلیل می‌برند. نکته قابل تأمل اما این است که مبادا این «جبر سیاسی» به ابزاری برای توجیه روابط افراد با دستگاه سرکوب تبدیل شود و کسانی - هر چند قربانی ظلم و ستم - به اختیار خود، در خفا تصمیم گرفته باشند که در کنار رژیم موجود قرار بگیرند.

با گذشت دو سال از بازگشت طالبان به کابل، اسناد و شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از دشمنان سرسخت طالبان و کسانی که زمانی یک‌تنه در برابر شوونیسیم و بنیادگرایی قرار داشتند و داعیه آزادی و عدالت‌خواهی را حمل می‌کردند، خرسوار از زیر ریش مردم رد شدند و به طالبان پیوستند و به مدح و ستایش آنان پرداختند. گر چه حق انتخاب برای همه محفوظ است، اما ساده‌انگاران خواهد بود اگر عده‌ای غایب از درک و اطلاع دقیق از بازی‌های سیاسی، بخواهند روابط معنادار برخی از افراد با طالبان را در سایه جبر موجود توجیه کنند و آنان را در کنار

کسانی بگذارند که واقعا محکوم به قبول جبر شده‌اند.

برخی از مخالفان طالبان در فضای مجازی، چه منفعت‌طلبانه دارند حضور یک تعداد را در کنار طالبان تقبیح و حضور برخی دیگر را توجیه می‌کنند. آن‌ها واقعا نمی‌دانند که طالبان به‌درستی از این رویکردهای دوگانه بهره‌برداری بهینه می‌کنند. نیاز است میان کسانی که در افغانستان زیر جبر تحمیلی قرار دارند و کسانی که زیر این جبر قرار نمی‌گیرند، باید تمایز قابل شد. در غیر آن، این امکان وجود دارد که مخالفان طالبان، حضور نزدیکان خود را با رهبران امارت این گروه هر روز زیر عنوان «جبر حاکم» توجیه کنند. این چیزی است که طالبان می‌خواهند.

## چه کسانی زیر جبر طالبانی قرار دارند؟

افراد مختلفی شامل این گروه می‌شوند. طبیعی است که در جوامع عقب‌مانده بخش بزرگی از مردم همواره مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرند و توانایی لازم برای مقابله با نابه‌سامانی‌ها را ندارند.

کسانی که زیر جبر حاکمیت طالبانی قرار دارند، به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

۱- گروه نخست، کسانی‌اند که زمینه عبور از وضعیت موجود و یا مقاومت در برابر آن را به هر دلیلی ندارند و یا نمی‌خواهند. این گروه، شامل اکثریت جامعه می‌شود.

۲- گروه دوم تاجران و سوداگران هستند که هر شرايطی را باید تحمل کنند. این گروه در کنار این که به نفع مالی خود می‌اندیشد، تأمین‌کننده مایحتاج روزمره مردم نیز است و از طرفی در کارآفرینی نقش اساسی دارد. پس نمی‌توان از این گروه توقع داشت که در برابر جبر موجود کار

سیاسی انجام دهد.

۳- گروه سوم شامل کارمندان دولتی، رسانه‌ها، دانشجویان، کسبه‌کاران و اقشار متوسط جامعه می‌شود که محکوم به تحمل جبر موجود هستند. این بخش از جامعه در واقع خیلی رویکرد انتقادی به حاکمیت‌ها و رژیم‌های سیاسی ندارند و به زنده‌گی عادی خود با تحمل رنج‌ها و ملالت‌ها ادامه می‌دهند.

۴- گروه چهارم اما زنان هستند که سایه سنگین جبر موجود را احساس می‌کنند، ولی دست از مبارزه و تلاش برای رهایی بر نمی‌دارند.

## چه کسانی زیر جبر طالبانی قرار نمی‌گیرند؟

۱- رهبران سیاسی گذشته مانند حامد کرزی، داکتر عبدالله عبدالله و بسیاری دیگر که به دنبال اهداف درازمدت خود هستند و حضورشان در افغانستان پیچیده است.

۲- کسانی که از طریق کمیسیون تماس طالبان به کشور برمی‌گردند و با طالبان «بیعت» می‌کنند.

۳- کسانی که از طریق کانال‌های امنیتی کشورهای همسایه تشویق و تطمیع می‌شوند تا به افغانستان برگردند. برگشت این‌ها، بیش‌تر شامل مهره‌های سیاسی نو می‌شود. حضور این افراد در افغانستان معنادار است و به هیچ وجه از روی جبر نیست.

۴- کسانی که پیوند قومی و ایدئولوژیک با طالبان دارند. این افراد بیش از هر کسی به دنبال نشان دادن حقانیت طالبان هستند.

به باور من کسانی که زیر جبر موجود قرار دارند، امکان دیدار و گفت‌وگوی معنادار با طالبان را پیدا نمی‌کنند و یا ممکن است میلی به این کار نداشته باشند. این خیلی ناعادانه است اگر بخواهیم وضعیت کسانی که زیر ستم طالبانی دارند جان می‌دهند و کسانی که با طالبان رابطه برقرار می‌کنند را یکسان سازی کنیم. برای کسانی که اعتقاد به آزادی و عدالت دارند، نباید فرد و یا گروه خاصی مورد بحث باشد. آن‌چه برای مدافعان آزادی مساله می‌شود، فقط یک چیز است: یا قبول آزادی یا قبول استبداد. هر کسی که آگاهانه و از روی اختیار بخواهد رابطه خود را با رژیم استبدادی، زیر عنوان مجبوریت سیاسی توجیه کند، در واقع شریک ظلم و ستم شده است. باری، مشارکت در ظلم و ستم اگر به ایدیمی تبدیل شود، بدون تردید همه مردم معافیت حاصل خواهند کرد. آن وقت است که همه ارزش‌های اخلاقی و انسانی (آزادی، برابری، عدالت و...) ماهیت خود را از دست خواهند داد و جامعه دچار کوری محض خواهد شد. به‌ساده‌گی همه چیز معنای خود را از کف می‌دهد. نظم اجتماعی فرو می‌ریزد و انسان در گمراهی شب، نعلش آزادی را بر شانه خواهد برد. این چیزی است که رژیم‌های تمامیت‌خواه و استبدادی انتظارش را می‌کشند.

# ناکارایی سیاست تضرع

کتاب مازیار شعله

هنگامی که طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ وارد کابل شدند، برای شماری هنوز روشن نبود که آنان چه سیاستی در پیش خواهند گرفت. طالبان پس از حدود بیست سال جنگ فرسایشی، امریکا را وادار به عقب‌نشینی از افغانستان کرده بودند و قدرت‌های جهانی رقیب امریکا از این بابت از خوشحالی در پوست

نمی‌گنجیدند. پاکستان به‌عنوان جدی‌ترین دولت حامی طالبان، سرمست پیروزی بود و ایران نیز خوشحالی‌اش را از این که امریکا در همسایه‌گی‌اش شکست خورده و به خانه برگشت، پنهان نمی‌کرد. این پیروزی به لطف بیست سال جنگ طالبان که حمایت‌های نظامی و سیاسی بی‌دریغ اسلام‌آباد و اخیرا تهران را با خود داشت، به‌دست آمد. البته تنها پاکستان و ایران نبودند که به بازگشت



## طالبان یک گروه تمامیت‌خواه

### ایدئولوژیک است که با هیچ

### قانون و قاعده جهانی سر

### سازگاری ندارد. این گروه از

### دستگاه فکری و سیاسی مختص

### به خودش برخوردار است و

### هیچ‌گاهی نمی‌خواهد آن را

### عوض کند. تنها در صورتی حاضر

### است این دستگاه فکری را

### تعديل کند که زیر فشار شدید

### و پایدار سیاسی و اقتصادی

### قرار گیرد.

طالبان کمک کردند؛ حتا امریکا نیز با امضای توافق‌نامه صلح دوحه، زمینه فروپاشی دولت افغانستان و استقرار دوباره امارت طالبانی را فراهم کرد.

پیش از سقوط دولت افغانستان، همه جا سخن از «تغییر» طالبان بود. حتا رسانه‌های غربی از طالبان روایت دل‌گرم‌کننده و نویدبخش

## ناکارایی سیاست...



## بسته شدن راه سالنگ...

مسیر راه بغلان - بامیان از ساحه پل دوشی بغلان به سمت بامیان جدا و به کابل وصل می شود. به گفته برخی راننده گان، مردم با مشکلات و دشواری های زیادی مواجه شده اند و در شرایط سختی مسافرت می کنند. به گفته آنان، بیماران در این مسیر با تهدید مرگ روبه رویند. سلیمان، یکی از راننده گان مسیر بلخ - کابل، می گوید که در بیش از یک هفته گذشته موترش به اندازه یک سال عوارض داشته است. او در گفت و گو با روزنامه ۸ صبح گفت: «هر رژیمی که می آید، فقط به مردم مشکل جور می کند، دیگر هیچ گپ نیست. اگر مشکل جور نمی کنند، پس چرا یک مسیر مهم را به روی مردم بسته می کنند؟ جور کردن سرک دلیلی برای بسته کردن تمام شاهراه نمی شود.»

باید یک طرف سرک را به روی مردم باز می ماندند و یک طرف را ترمیم می کردند. باز که بسته هم کرده اند، حداقل همین مسیر بغلان - بامیان یا مسیر پنجشیر - اندراب را اندکی ترمیم می کردند که موترها رفت و آمد کرده می توانست. ما در به در شده ایم. همین موتر من در یک هفته از درآمدش کرده مصرفش بیش تر شده است. از برای خدا چه باید بکنیم؟» قیوم، راننده بس، با بسته شدن مسیر سالنگ بیچار شده است. او نیز به روزنامه ۸ صبح گفت: «نزدیک به ۱۰ روز شده که مانند کارمندان دولت سابق بیچار و خانه نشین شده ام. راه سالنگ را بسته کرده اند، کار موترهای بس هم متوقف شده است؛ چون مسیرهای دیگر بسیار خراب است و موترها را خراب می کند. مجبور ایستاد کرده ایم. در یک هفته چند موتر بس از مسیر بامیان رفتند، بسیار خراب شدند. موترهای قیمتی مردم تکه تکه شد. از یک طرف بیروبار موترها، سرک کم عرض و خراب است، راه بند می شود و مردم ساعتها منتظر می ماندند.»

در سال های گذشته شمار اندکی از وسایط نقلیه از مسیر راه بغلان - بامیان رفت و آمد می کردند، اما با مسدود شدن شاهراه سالنگ، شمار زیادی از وسایط از این مسیر استفاده می کنند که نظر به گنجایش جاده، چندبرابر شده است. راننده گان طالبان را به بی پروایی در برابر شهروندان متهم می کنند و تاکید دارند که برای حل این مشکل شهروندان اقدام صورت گیرد.

از سویی هم، شماری از مسافران می گویند که مسدود شدن راه سالنگ آنان را از نگاه اقتصادی نیز ضربه زده است. بشیر احمد، باشنده شهر مزار شریف که قصد رفتن به کابل را دارد، می گوید که با مسدود شدن سالنگ، کرایه موتر نیز افزایش چشم گیری داشته است. او گفت: «بسته شدن سالنگ برای ما یک غم تازه شد. رفت و آمد ما به کابل زیاد است. من ۱۰ روز پیش در کرولای دوهزار کابل رفتم، کرایه یک هزار و ۵۰۰ افغانی بود، اما امروز که پس به ترمینال آمدم، کرایه سه هزار افغانی شده است. از کجا می شود؟ کجاست کاروبار که بگوییم خیر است.»

باشنده گان مزار شریف از عمل کرد طالبان در برابر مردم نیز انتقاد می کنند. آنان تاکید دارند که این گروه پلان هایش را نسنجیده عملی می کند و برای پیش گیری از مشکلات برنامه ای ندارد. ابوبکر، باشنده شهر مزار شریف، می گوید: «سابق مردم در موترهای مختلف به انتخاب خود و با کرایه مشخص سفر می کردند، اما در این ۱۰ روز که سالنگ بسته شده است، نوبت در ترمینال ها از بین رفته و بی نظمی بی اندازه به وجود آمده است. کسی هم نیست که پرسان کند.»

گفتنی است که با بسته شدن مسیر سالنگ از سوی طالبان، شرکت های هوایی نیز قیمت تکت های شان را تا ۱۰ دالر افزایش داده اند. این در حالی است که به دلیل اذحام مشتریان، مسافران باید سه یا چهار روز قبل از سفرشان تکت خریداری کنند. به گفته تکت فروشان، در حال حاضر تکت شرکت هوایی کام ایر پنج هزار و ۹۰۰ افغانی و تکت شرکت هوایی آریانا پنج هزار و ۳۰۰ افغانی فروخته می شود. پیش از این قیمت تکت ها به ترتیب پنج هزار و ۱۰۰ افغانی و چهار هزار و ۵۰۰ افغانی بود. هر چند مقام های وزارت فواید عامه طالبان مدت بازسازی تونل سالنگ را ۳۵ تا ۴۰ روز گفته اند، اما هنوز روشن نیست که این مسیر مهم مواصلاتی تا چه زمانی به روی رفت و آمد مسدود خواهد ماند.

گروه طالبان در بیش از دو سال حاکمیتش بر افغانستان کافی توانسته متحدان داخلی و خارجی اش را ناامید کند؛ به حدی که حالا نه طالب پسنندان داخلی دل خوشی از آن دارند و نه هم نزدیک ترین حامیان خارجی این گروه از جمله پاکستان و ایران. دیگر کسی جرئت نمی کند از «تغییر» طالبان سخن به میان آورد. گویی همه واقعبین شده اند و از آن خیال های خام کودکانه در مورد یکی از بدوی ترین گروه های اسلام گرا - که بیش تر از هر چیز دیگر با تغییر و تحول دشمنی می ورزد و تعدیل در باورهای کهنه و سنگ شده اش را خیانت نابخودنی به اصول مقدس و تغییرناپذیر دینی به حساب می آورد - دست برداشته اند. این می تواند یک پیشرفت خوب پنداشته شود، البته در صورتی که دیگر توقع تغییر از طالبان را نداشته باشید و دست از توهم بکشید. اما به نظر می رسد که افسانه پردازان «تغییر» طالبان دست از این توهم و خیال بافی نکشیده و همچنان از این گروه می خواهند از خر شیطان پایین بیاید و آن کار را بکنند و این کار را نه طالبان هم هر بار که خواستی برای تشکیل حکومت فراگیر، رعایت حقوق زنان و مطالباتی از این دست مطرح می شود، از جهانیان می خواهند که در امور داخلی افغانستان دخالت نکنند.

دو سال است که سربال خسته کن و تکراری خواست های جهانی از طالبان برای رعایت حقوق زنان، مبارزه با تروریسم، تشکیل دولت فراگیر و ... جریان دارد؛ اما طالبان یک گام کوچک هم در جهت عملی کردن خواسته هایی که هر روز از سوی کشورها و نهادهای جهانی مطرح می شود، برنداشته اند و به نظر هم

نمی رسد بردارند. وزیر تحصیلات عالی طالبان حق دارد که بگوید، کسانی که به این گروه «فرمایش می دهند، جاهلند». دو سال است که خارجی ها و داخلی ها از طالبان تضرع کنان می خواهند که دروازه های دانشگاه ها و مکاتب را به روی دختران بازگشایی کنند و در کنارش زمینه را برای ایجاد دولت همه شمول فراهم سازند. این خواست نرم و ملایم، فرمایش نیست، آن گونه که وزیر تحصیلات عالی طالبان می گوید؛ تنها یک خواهش مظلومانه آمیخته با گلایه از این گروه است: شما به تعهدات خود عمل نکرده اید، لطفاً حقوق زنان را رعایت کنید و بگذارید دیگران هم سهم مختصری در حکومت شما داشته باشند. اما تا حالا بارها ثابت شده که این توقعات از طالبان بی جا و نامعقول است. چون این گروه به جز خودش در برابر هیچ نیروی دیگری مسوول نیست و دوست ندارد در برابر مردم، کشورها و نهادهای جهانی پاسخ گو باشد.

طالبان یک گروه تمامیت خواه ایدئولوژیک است که با هیچ قانون و قاعده جهانی سر سازگاری ندارد. این گروه از دستگاه فکری و سیاسی مختص به خودش برخوردار است و هیچ گاهی نمی خواهد آن را عوض کند. تنها در صورتی حاضر است این دستگاه فکری را تعدیل کند که زیر فشار شدید و پایدار سیاسی و اقتصادی قرار گیرد، به حدی که موجودیت خودش را در خطر ببیند. اما در حال حاضر نه تنها فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه طالبان تشدید نشده، بلکه با گذشت زمان وضعیت بیش از پیش عادی سازی می شود و به نظر می رسد جهان چاره ای جز تعامل و همکاری با طالبان ندارد.

غربی ها به رهبری امریکا که تازه خود را از باتلاق افغانستان بیرون کرده اند، دیگر شوقی برای جنگیدن در زمین مرگبار و آدم خوار این کشور ندارند. آنان حتا از حرکت های مسلحانه در برابر طالبان پشتیبانی نمی کنند و می ترسند که مبادا حمایت از جبهه های نظامی مخالف این گروه پای آنان را دوباره وارد بحران مزمن افغانستان کند. امریکایی ها در حال تعامل غیررسمی با طالبان هستند و سعی دارند از نفوذ بیش تری در میان این گروه برخوردار شوند. دولت امریکا همچنان بر آسمان افغانستان مسلط است و اگر بخواهد هر هدفی را در این کشور مورد حمله قرار می دهد.

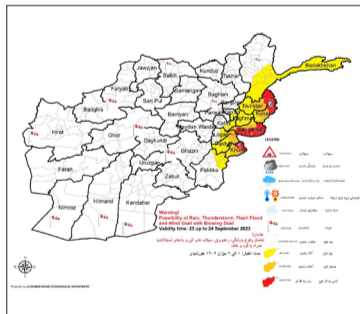
دو جبهه نظامی مخالف طالبان (جبهه مقاومت و جبهه آزادی) نه تنها که تا کنون دست به هیچ عملیات نیرومند و سرنوشت سازی نزنده اند، بلکه با گذشت زمان از فعالیت های نظامی آن ها کاسته شده و کم تر در رسانه ها حضور پایدار و مداوم دارند. یعنی آن ها هنوز موفق به ساخت بدیل نظامی - سیاسی در برابر طالبان نشده اند و این مساله، بازمه اوضاع را به سود رژیم مستقر در کابل رقم می زند. با این اوصاف، در حال حاضر دورنمای امیدبخشی برای نجات از چنگ اختاپوس طالبانی نیست. اما ناامیدی در حالی که از نظر روانی ضربه مهلکی بر شخصیت آدم ها وارد می کند، از جهتی می تواند نقش رهایی بخش و انقلابی نیز داشته باشد. ناامیدی این مزیت را دارد که ما را با امکانات و ظرفیت واقعی خود و دشمنان مان آشنا می کند و به این ترتیب، کم تر دچار توهم شده و در نهایت دست به تدارک جنگ جدید می زنیم.

## احتمال باران و سیلاب در ۱۰ ولایت کشور

ریاست هواشناسی از احتمال وقوع بادهای نسبتاً شدید همراه با گردوخاک در ولایت های غربی، جنوب، جنوب غربی، شمال، شمال شرقی، شمال غربی و مرکزی، به شمول سالنگ ها نیز خبر داده است. به گفته این ریاست، سرعت باد در نقاط مختلف بین ۲۰ الی ۸۰ کیلومتر در ساعت است.

این در حالی است که پیش از این نیز نقاط مختلف کشور شاهد بارنده گی ها شدید و سیلاب بوده است.

ولایت کشور خبر داده است. ریاست هواشناسی وزارت ترانسپورت و هوانوردی ملکی تحت مدیریت طالبان با نشر خبرنامه ای نوشته است که روز شنبه، ۱ میزان و فردا، ولایت های بدخشان، نورستان، کنر، لغمان، کاپیسا، ننگرهار، لوگر، پکتیا، خوست و پکتیکا گواه بارش باران و سیلاب های آبی خواهند بود. این ریاست مقدار بارنده گی در نقاط مختلف را ۱۰ الی ۳۰ ملی متر پیش بینی کرده است.



۸ صبح، کابل: ریاست هواشناسی وزارت ترانسپورت و هوانوردی ملکی تحت مدیریت طالبان از احتمال باران و سیلاب در ۱۰

محمد بن عبدالرحمن بن جاسم آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر گفته که بسیار مفتخر است که این هفته بازگشت پنج شهروند آمریکایی را که در ایران زندانی شده بودند، به کشورشان تسهیل کرده است. آل ثانی روز پنج‌شنبه، ۲۱ سپتامبر، در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان گفته است: «بسیار مفتخر بودیم که دیدیم قطر به بازگرداندن آن افراد به خانواده‌هایشان کمک کرد.» وی در پاسخ به پرسشی که آیا این توافق آمریکا و ایران نشان‌دهنده نزدیک شدن روابطشان می‌باشد، گفته است: «نمی‌توانم ادعا کنم که این توافق منجر به توافق هسته‌ای می‌شود، اما قطعاً به فضای بهتری منجر خواهد شد.»

### بلیکن:

## ایران یک بازیگر مسوول در برنامه هسته‌ای نیست

ولیعهد عربستان سعودی مطرح کرده است. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز گفته بود، در صورتی که ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، عربستان نیز باید چنین تسلیحاتی را بدست بیاورد. در همین حال، انتونی بلینکن گفت: «فعالیت‌های ایران برای داشتن برنامه هسته‌ای، یک عنصر اساسی بی‌ثبات کننده است که نه تنها امنیت کشورهای منطقه، بلکه فراتر از آن را به خطر می‌اندازد، به همین دلیل است که ما مصمم هستیم، رییس‌جمهور بایدن مصمم است، که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند.» وی اضافه کرد: «ما سعی کردیم به طور غیرمستقیم همراه با شرکای اروپایی و حتی روسیه و چین با



انتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا می‌گوید که تصمیم ایران برای ممنوعیت بازرسان هسته‌ای سازمان ملل نشان می‌دهد که این کشور علاقه‌ای به مسوولیت‌پذیری در برنامه هسته‌ای خود ندارد. بربنیاد گزارش رویترز، بلینکن این اظهارات را روز جمعه، ۲۲ سپتامبر، در واکنش به اظهارات اخیر

## معترضان در بریتانیا خواستار پیوستن دوباره به اتحادیه اروپا شدند



رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که هزاران تن از شهروندان بریتانیا با راه‌اندازی یک راه‌پیمایی اعتراضی در لندن، پایتخت این کشور، مخالفت‌شان را با برگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا)، اعلام کردند و خواستار پیوستن مجدد به اتحادیه اروپا شده‌اند.

این روز شنبه‌شب، ۲۳ سپتامبر، گزارش داده که شرکت کنندگان این راه‌پیمایی که از سوی «نهاد ملی بازگشت مجدد» برنامه‌ریزی شده بود، با شعار «ما می‌خواهیم ستاره خود را برگردانیم» خواستار بازگشت بریتانیا به اتحادیه اروپا شده‌اند.

معترضان همچنان از مقام‌های دولت بریتانیا خواستند تا از موقف‌شان کنار بروند. مایک گالسورثی، رییس جنبش اروپایی بریتانیا، گفت که برگزیت خیانت به طبقه کارگر و کارگران طبقه پایین در بخش‌های ماهیگیری، کشاورزی و غیره است.

براساس گزارش‌ها، طرح خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را دیوید کامرون، نخست‌وزیر سابق این کشور، در سال ۲۰۱۳ مطرح کرد. در همه‌پرسی سال ۲۰۱۶ میلادی ۵۱.۹ درصد مردم بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا و ۴۸.۱ درصد آن‌ها به ماندن در این اتحادیه رای داده‌اند.

پس از استعفای کامرون، دولت وقت بریتانیا در سال ۲۰۱۹ در نتیجه سه سال چانه‌زنی با اتحادیه اروپا، دو طرف به توافقی در این زمینه دست یافتند، اما باز هم مجلس سنای این کشور با آن مخالفت کرد.

در ادامه مخالفت‌ها با طرح برگزیت، بوریس جانسون نخست‌وزیر وقت این کشور، موفق شد با برگزاری انتخابات زود هنگام حمایت سنای بریتانیا را نیز جلب کند.

سرانجام این کشور در پایان سال ۲۰۲۰ رسماً از اتحادیه اروپا جدا شد.

مردم بریتانیا که در این سال‌ها تورم در کشورشان به بالاترین حد در نیم قرن گذشته رسیده، بیشتر متوجه بی‌فایده بودن برگزیت شده‌اند.

این در حالی است که چندی پیش نیز نایجل فاراژ، یکی از حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، اعتراف کرد که پروژه برگزیت شکست خورده است.

نتایج تازه‌ترین نظرسنجی صورت گرفته در این کشور نشان می‌دهد که مردم و بسیاری از کارگران از برگزیت پشیمان شده و خواستار بازگشت به اتحادیه اروپا هستند.



## نخست‌وزیر پولند خواستار پایان توهین مردمش از سوی اوکراین شد

به پولندی‌ها توهین نکنند، به‌گونه‌که اخیراً در سخنرانی خود در سازمان ملل انجام داد.» زلنسکی طی سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل ضمن متهم کردن پولند به اجرای نمایش سیاسی با استفاده از اختلافات در توافق غلات گفت که برخی از کشورهای اروپایی از موضوع صادرات غلات یک فیلم هیجان‌انگیز ساخته‌اند. این در حالی است که دولت پولند روز پنج‌شنبه، ۲۱ سپتامبر، اعلام کرد که کشورش دیگر تسلیحات و کمک‌های نظامی به اوکراین ارسال نخواهد کرد. آندژی دودا، رییس‌جمهور پولند، نیز گفته که با شکایت کی‌یف از ورشو به دلیل تحریم

ماتئوش موراویتسکی، نخست‌وزیر پولند، خطاب به ولادیمیر زلنسکی، رییس‌جمهور اوکراین، هشدار داد که هرگز بار دیگر به مردم کشورش توهین نکند.

سی‌ان‌ان شنبه‌شب، ۲۳ سپتامبر، گزارش داده که در ادامه درگیری‌های لفظی مقام‌های ورشو با کی‌یف، ماتئوش موراویتسکی، خواستار پایان اهانت‌های اوکراین به مردم کشورش شده است. وی به زلنسکی هشدار داد که هرگز دوباره به مردم پولند توهین نکند.

موراویتسکی تصریح کرده است: «من می‌خواهم به رییس‌جمهور زلنسکی بگویم که دیگر هرگز

## بانک جهانی: ۹۵ میلیون پاکستانی در فقر زنده‌گی می‌کنند



جدی اقتصادی و توسعه انسانی مواجه است و در نقطه‌ای قرار دارد که نیاز به تغییر سیاست‌های اساسی است.»

طبق گزارش بانک جهانی، فقر در پاکستان ظرف یک سال از ۳۴٫۲ درصد به ۳۹٫۴ درصد افزایش یافت و ۱۲٫۵ میلیون تن دیگر به زیر خط فقر ۳٫۶۵ دالر در روز رسیده‌اند. این در حالی است که در اواخر سال گذشته هجری خورشیدی رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که پس از به قدرت رسیدن طالبان روزانه بیش از ۵ میلیون دالر به‌گونه قاچاق از پاکستان وارد افغانستان می‌شود. بلمبرگ گزارش داده بود که قاچاق دالر از پاکستان به افغانستان زیر تسلط طالبان، اقتصاد پاکستان را بحرانی کرده است.

بانک جهانی نگرانی «عمیق» خود را نسبت به وضعیت بد اقتصادی پاکستان اعلام کرده و از دولت این کشور خواسته است تا اقدامات فوری را روی دست بگیرد.

بانک جهانی روز جمعه، ۲۳ سپتامبر، با نشر گزارشی اعلام کرد که حدود ۹۵ میلیون پاکستانی در حال حاضر در فقر زنده‌گی می‌کنند. به گفته این نهاد، فقر در پاکستان تا سال مالی گذشته به ۳۹٫۴ درصد رسیده است و ۱۲٫۵ میلیون تن دیگر به دلیل شرایط بد اقتصادی در دام افتاده‌اند.

توبیاس هاک، یک مقام بلند پایه بانک جهانی، گفت: «بانک جهانی به شدت نگران وضعیت اقتصادی امروز است. پاکستان با بحراهای

## پاپ فرانسیس: پناهجویان واقعیت عصر ما هستند

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان می‌گوید که پناهجویان واقعیت عصر کنونی هستند و همراه آنان باید به‌عنوان «مهاجم» رفتار نشود.

فرانسیس روز شنبه، ۲۳ سپتامبر، طی یک سخنرانی در میان جوانان در فرانسه گفته است که کشورهای اروپایی باید از پناهجویان استقبال کنند. او گفته است: «کسانی که زنده‌گی‌شان را در آب‌های بحر به خطر می‌اندازند، حمله نمی‌کنند، آنان توقع دارند که از ایشان استقبال صورت بگیرد.»

وی افزوده است: «مهاجر واقعیت عصر ما است، روندی که شامل سه قاره در اطراف بحیره مدیترانه است و باید با آینده‌نگری خردمندانه اداره شود، از جمله پاسخی از سوی اروپا.»

بحران مهاجرت غیرقانونی از موضوع‌های مشکل‌ساز سال‌های اخیر در اتحادیه اروپا بوده است.

در ماه‌های اخیر غرق شدن کشتی‌های حامل پناهجویان همواره جان شهروندان کشورهای مختلف را گرفته است.

در میان این جان‌باخته‌گان هرازگاهی شهروندان افغانستان نیز حضور داشته‌اند.